

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۳ * (۲۶ ذی قعدة ۱۳۰۳)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (شور دوم و تصویب مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰ مواد جلد دوم قانون مدنی راجع به قرابت و نکاح و طلاق)
- ۳ (تقدیم يك نقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه)
- ۴ (اعلام وصول لایحه تخریب برودت ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی - ختم جلسه)

(مجلس يك ساعت قبل از ظهر بر بامت آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه چهارم اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- ۱ - تصویب صورت مجلس | رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.
- ۲ - شور دوم و تصویب مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۰ جلد دوم قانون مدنی راجع به قرابت و نکاح و طلاق | رئیس - خبر از کمیسیون عدلیه راجع به قسمت دوم قانون مدنی مربوط به قرابت و نکاح و طلاق کتاب هشتم - در قرابت ماده ۱۰۳۱ - قرابت بر درجه است قرابت نسبی و قرابت نسبی
- رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۰۳۰۱ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۳۲ ماده ۱۰۳۳ - قرابت نسبی بر ترتیب طبقات ذیل است ۱ طبقه اول - پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد طبقه دوم - اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها طبقه سوم - اعمام و عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی بعده لها در آن طبقه همین میگردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در

* * * این مذاکرات مشروح بکمد و بیست و شصت جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵) دایره تدوین و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر احتشام - حاج غلامحسین ماک - امیدی - ارباب کیخسرو - دکتر قول ابانغ - وکیل مصدق جهانشاهی - یونس آقا و هابزاده - شریعت زاده - باصری - طباطبائی دیا - کورس - عدل در آمدگان بی اجازه - آقایان : نواب یزدی - بیات - آقایی - امین زنگنه - استغیباری - دکتر ادهم - مسعود تائبی حاج تقی آقا و هاب زاده - طهرانی - جنمف - قراقرلو - همراز - مسعودی خراسانی

درجه دوم خواهد بود و هکذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جد و جد در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود. و در طبقه سوم قرابت عم و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۰۳۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۳ ماده ۱۰۳۳ - هرکس در هر خط و بهر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و بهمان درجه قرابت نسبی بازوج و زوجة او خواهد داشت بنابر این پدر و مادر زن یک مرد از برای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر و خواهر شوهر یک زن از برای نسبی درجه دوم آن زن خواهد بود.

رئیس - نظری نیست (خبر) آقایانیکه باماده ۱۰۳۳ موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۴

کتاب هفتم در نکاح و طلاق
باب اول - در نکاح
فصل اول - درخواستکاری

ماده ۱۰۳۴ - هرزنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستکاری نمود.

رئیس - مخالفی نیست. موافقین با ماده ۱۰۳۴ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۳۵ ماده ۱۰۳۵ - وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمیکند اگرچه تمام باقصدی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده برداشته شده باشد بنابر این هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده میتواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمیتواند هیچوجه او را مجبور بازدواج کرده و یا از جهة صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۰۳۵ موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۳۶

این پیشنهاد را کردند و بنده هم موافقت هم مخالف بودم این چون گفته شد بگویی چون مراجعه داده میشود عرض نکردم ولی عقیده بنده این بود که آقایان اجزاء کیسیون محترم قوانین عدلیه این را رد کنند زیرا این موضوع ممکن است با اخلاق و عادات مردم این مملکت درست در نیاید اینماده ازدواج را از بین میبرد و ممکن نیست کسی حاضر شود که دختر یا خواهرش را بطیب نشان بدهد و بعد ازدواج کند ما در قوانین اسلام صراحت داریم. اگر سابقا مردم نمیکشید امروز که آقای وزیر عدلیه همه چیز را خوب میکنند این را هم ممکن است بگویند. قانون اسلام میگوید کسیکه میخواهد زن ببرد باید آن دختر را خودش به بیند یا او حرف بزند یا بگوید راه برو به بینم چطور راه میری حتی خبر صریح دارد که میتواند با لباس رفتنی او را به بیند که اگر عیبی دارد به بیند. با اینهمه تفاسیل علت اینکه ما بگوییم تصدیق طبیب بیارود چیست علاوه مسئله طب و دگر. دگر خودش یکی از محارم شخصی است و نباید عیب برادر را به برادر بگوید چطور میتواند عیب دختر مرا به غیر بگوید شاید وصلت - سر تکلفت انوقت یک عیبی روی دختر من گذارد. میشود اصلاً به چوجه من الوجوه دگر حتی ندارد عیب و مرض کسی را بکس دیگر بگوید انوقت اتمام با صحیح با ناصحیح ۱۱ - ایران یک مملکت باغث و عصمت و با غیبت و با شهادتی است هیچوقت راضی نمیشود دختر یا خواهر خود را برای این کار بطیب مراجعه دهند مگر اینکه طبیب زن باشد. ما باید این غیبت را فرو بریم و تشویق کنیم مردم ایران را باید به دارا بودن چنین غیبت و عفت و عصمت که وطن خواهی ما را محکم میکند تشویق کنیم اینهم که ما میگوییم سوزاک و سفلیس زیاد است خوب اینطور نیست بنده بکلی تکذیب میکنم. یک عده مسافری که رفته اند بخارج این را آورده اند و الا به بیند این مرض کجا است؟ در همین شهر که میگویند منبع این مرض است به بیند

کبها مریض هستند آنوقت اینطور شما نباید اینجا و اینطور در قانون بکنارید و حذف این ماده را هم پیشنهاد کرده ام حالا میخواهد قبول کنند میخواهند قبول نکنند من با این ماده یکی مخالفم
مطلب احمدی (خبر کیسیون قوانین عدلیه) - البته آقایان در نظر دارند که این ماده در پیشنهاد دولت بود در جلسه گذشته آقای دکتر ادم پیشنهادی دادند و چون دور اول بود البته در اطراف پیشنهاد مذاکره نمیشد و پیشنهاد آمد بگویی و در کیسیون خیلی سهل صحبت شد آقای دکتر ادم و آقای دکتر طاهری هم تشریح داشتند خیلی هم مذاکره کردیم و البته اصلاحی که شده است اگر بدقت در اینماده رجوع شود پیشنهاد آقای دکتر در این فصل بود یعنی در فصل خواستکاری بود و در فصل انواع ازدواج بود و پیشنهاد هم این بود که الزامی نباید باشد یعنی طرفین قبل از ازدواج باید تصدیق صحبت مزاج از امراض زهرری داشته باشد در اینموضوع در کیسیون صحبت شد که اولاً هنوز تکلیلات صحی ما در همه جا نیست و این قانون هم که برای شهرها نیست برای تمام ایران است و هنوز در اغلب جاها و فراه و نسبت و دهات طبیب صحی نداریم و اگر این را قرار بدهیم یک سدی گذارده ایم جلوی ازدواج و آن را منع کرده ایم پس الزامی نمیتوانیم بکنیم از این خطه نظر آندیم. فکر کردیم که بهتر این است در فصل خواستکاری باشد و الزامی هم نباشد علت هم این بود که نظر اینجا بیشتر بطرف زوج است برای اینکه در اینکار این احتمال میرود (طائس خان - چرا میرود) یعنی خیلی کم مگر ارثی باشد و الا از یک دختر بگری کتر آن احتمال میرود کتر اتفاق می افتد که او مبتلا باشد و بیشتر این احتمال در زوج میرود و ما آندیم الزامی نکردیم این یک ماده ارشادی است در واقع که هر یک از طرفین در وقت خواستکاری میتوانند این شرط را بکنند خواست میکنند و خواست نمیکند میفرمایند کسی حاضر نیست اینکار را

ماده ۱۰۳۶ - اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی بهم زند در حالیکه طرف مقابل یا اوین او بایک اشخاص دیگر باعتماد و نوع ازدواج مفروض شده و مخارجی کرده باشند طرفی که وصلت را بهم زده است باید از عهده خسارات وارده بر آید ولی خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارف خواهد بود.

رئیس - موافقین باماده ۱۰۳۶ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۷

ماده ۱۰۳۷ - هر یک از نامزدها میتوانند در صورت بهم خوردن وصلت منظور هدایائی را که بطرف دیگر داده است مطالبه کنند.

رئیس - نظری نیست. موافقین باماده ۱۰۳۷ برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۸

ماده ۱۰۳۸ - مفاد ماده قبل از حین رجوع بقیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها بهم بخورد مجری نخواهد بود.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۰۳۸ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۳۹ ماده ۱۰۳۹ - مدت مرور زمان دعاری ناشی از بهم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ بهم خوردن آن محسوب میشود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۰۳۹ برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰۴۰

ماده ۱۰۴۰ - هر یک از طرفین میتواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب بصحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد.

رئیس - آقای مزار جریبی هرگز جریبی - مطلب باید اساساً با جنبه مثبت داشته باشد با جنبه منفی این قسمت نه جنبه مثبت دارد نه جنبه منفی و این یک موضوع ارشادی است در صورتیکه چنین قانونی در هیچ کجای دنیا نیست. در جلسه قبل آقای دکتر ادم

بکنند خوب نکند الزامی که نیست وافی که الزامی نیست
بمیکنند این است که بنظر بنده اشکالی ندارد.

پولیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - موافقم

مهرزانی - بنده ایلا اجازه خواستم اول اول
پولیس - در صورتی که نزد بنده است نیست
مهرزانی - پس فراموش کردم اند بنویسند
پولیس - آقای روحی (یکی از نمایندگان - بیرون
آوردند برده اند) آقای طاهری

طاهری - بنده در کمیسیون عقاید خود را اظهار
کردم و با الزامی بودنتی هم مخالف بودم البته هیچ عاقل
نمیگوید که این امراض جلوگیری شود و هیچ عاقل هم
نمیگوید که یک امراض مسری که شایع است در ملکیت
دفع شود و تا هر اندازه که ممکن است البته باید جلوگیری
شود ولی صحبت در این است که با یک مچو قانونی آیا
میشود چیزی از این امراض جلوگیری کرد یا خیر عرض
کنم در الزامی بودنتی البته مقصد خوبی داشت برای
اینکه بر فرض هم که میرفتند و یک ورقه صحی می آوردند
بعد هم خدای نخواسته یک همچو مرضی وجود می آورد بعد از
آنکه از دراج واقع شد یک دعایی پیش می آید و تولید کند کسی
وزجت میکند البته می رود و محکمه عدلیه تصدیق ارائه میدهد
این یکی هم تصدیق نشان میدهد این میگوید من از تو
گرفته ام او میگوید من از دختر گرفته ام این یک داستان
مفصلی است که وقتی ما در عمل وارد شویم می بینیم چه
اشکالات زیادی خواهد داشت در انجام عرض کردم ولو
اینکه آقای وزیر عدلیه هم فرمودند در کمیسیون که اینطور
اگر شادی در میبخت خود استکرامی می بینیم مردم را متوجه
میکنیم که میتوانند این حق را داشته باشند و هنگام
خو استکرامی بگویند پس در وقت صحی بیامورد دختر هم
همینطور برای اینکه کم کم بواسطی عادت بشود و
ایضا این خود بشود از این قسمت حفظ کنند ولی بنده باز
در این قسمت هم خیال می کردم که این هم ممکن است یک

الزامی بود و از این الزام هم يك نتیجه عکس بگیریم
بنده باز مخالف بودم و حالا هم عقیده ام این است که این
مسئله سدی است در مقابل ازدواج بنده از این نقطه نظر
عرض میکنم که در مسئله ازدواج هر قدر سهولت قابل بودیم
و راه چاره بهتر کنیم و صاحبش زیادتر است جلوگیری از
مرض يك مسائل دیگری دارد شما وقتی که جاهای زیادی
داشتید سعی کنید که اینجاست که دارای امراض مسریه
چندند بآجا مراجعه کنند و معالجه کنند این دخترها را
بکنند البته مرض رفته رفته بواسطی بواسطی مرتفع میشود
والا با این قوانین و این ترتیب بنده گمان نمیکنم نتیجه
بگیرید چیزی از آنکه سدی جلو باب ازدواج کشیده باشد و
حالا بنده عرض میکنم و در کمیسیون هم عرض کردم و
آقای وزیر عدلیه هم فرمودند که میخواهیم مسأله را بطور
مشورتی حل کنیم و بوضع حرارت نیست ولی تمام حرارت
بدارم بادل اینجاست عرض میکنم کسانی که آمدند پیش من
آزیر هم بودند بدبخت هم بودند و مبتلای هم بودند
بنده به بعضی از مریضانها مراجعه کردم و مسائل هم
فراهم کردم و آنها یکی دو مرتبه رفتند آجا و معالجه
مختصری هم کردند بعد هم راهشان دادند و جدا میدادند
و مسائل معالجه هم میدادند حتی خود من اگر میسر بود
کلیک میکردم وقتی که این مسائل در دسترس مردم
نست قوانین جلوگیری میکنند آن مسائل را در دسترس
مردم بگذارند و از دولت بخواهید که يك جرمی زیادی
معین دهند و این قسم امراض را بچنانی معالجه کنند در
شهرها و دولت البته ممکن است این امراض مرتفع
شود و لاجرم کس هم موافق است برای اینکه نسل با این
امراض در معرض انقراض است ولی با این ترتیب و این
قوانین جلوگیری نمیشود.

پولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - منظور که تمام دولت و ملل سعی
میکنند بری کثرت نسل و ازدواج که لازمه تکثیر
جمعیت باشد با این حال تمام آنها سعی میکنند که نسل

که ایجاد می شود اصل سالمی باشد زیرا که اگر نژاد و
نسل ضعیف و نالیده که از آن پیدا میشود نسل با
دیوار با مسائل با هم شروع با هم خوب باشد علاوه بر این
که این جور نسل برای جامعه مفید نیست بلکه اینها
اسباب بد بختی خودشان و يك جامعه هستند در این
موضوع گمان نمیکنم که آقای وزیر چاره ای و او آقای
طاهری هیچ اشکالی داشته باشند برای این که اگر بنا
شود يك رسائی بشود که نتیجه آن يك بچه باشد که فقط
شود که مادرش هم در خطر بیفتد در نتیجه بواسطی
یا این که کسی باشد که بزرگ شود و دیوانه شود یا عیوب
شود این وصلت اگر بشود هم نژاد است (صحیح است) هم
معمولاً که باید ازدواج زودتر بود در عین حال باید
سعی شود که نسل سالمی بوجود بیاید و اینکه در این
ناخوشی و غیر سالم و نالیده باشد آقایانی که عاقلند دارند
به از این نقطه نظر است که واقف به آنتر شود این مرض
نمیستند در طب می نویسند کسی که سیفلیس گرفته پس از
اینکه معالجه کامل کرد بعد از پنج سال حق ازدواج
بدارد پنج سال باید معالجه بکند بعد از آن حق ازدواج
دارد تمام اطباء در این قسمت موافق هستند زیرا که این
مرضی است بسیار خطرناک و بواسطی همین هم که میگویند
و معالجه و سهل انگاریها است که نسل صحیح پیدا نمیشود
حالا هر کس سیفلیس دارد هیچ توجه و اعتنائی بآن نمیشود
در صورتیکه قدم اینطور بردارد است خیلی متفرد بودم است
کسی که این مرض را میگیرند باقی از جامعه دور شود
و از شهر خارج شود ولی حالا توجه نمیشود و همان
عرف و عادت که میفرمایند مخالف این مادم است همان
عرف و عادت باعث زیادی این مرض شده است که اینها را
باید اصلاح کند و باید قوی اصلاح کنید آن (صحیح
است) اگر چنانچه کسی سوزك داشته باشد وقتی که
وصلت کرد طرفش مبتلا میشود حالا این دختر بیچاره
که متبوقی نیست از عواقب شود این مرض علوم میشود
یعنی دیگر اولادش نمیشود همیشه در دل دارد همیشه
طرف اللذم برایش بیجا میشود باز نژاد است باید برود بجا

بکنند و آنها جا مسائل برایش لازم نیست باید اول
جلوگیری بشود و باید با این وسیله اینها را متوجه کرد
اجباری هم که نیست ولی طرفین متوجه هستند که این
لال هست که نباید بشود و سوال بشود پرسشی بود
و اگر يك دارد بگیرند که برود تحصیل تصدیق بکنند
فقط چیزی را که آقای وزیر چاره ای امراض داشته که
بر خلاف عرف و عادت است این بود که دخترها باید
بایجاد مراجعه کنند و دخترها را بطوریکه آقای وزیر
گفتند این نسبت اصولاً اینجا نیست و بهتر هر دو
به شوهر است و زنها هم اگر نشانه بیرون تصدیق بیسارند
مکن است که به قیام شروع کنند و بعد کثرت مراجعه میکنند
و الزام دارند که به دخترها مراجعه کنند و این وسیله باید
یکی از بهترین ایجاباتی است که مجلس با موافقت آقای
وزیر عدلیه در این قانون میکنند و يك قدم بودی است که
برای اصلاح نسل برداشته میشود (الشار - این ماده
نی از است) و این را هم عرض کنم که بعضی از آقایان
این را کم میدانند و میگویند باید اجباری باشد و یکی آقای
الشار آقای ثقه الاسلامی بعضی هم میگویند اصلاً لازم نیست
پس حالا چه وسایلی این بود که اصلاح کردیم باینطور
که عیناً يك قدمی برای این کار برداشته شود و وقتی
که جامعه متوجه شود عدلی خواهد شد اما موضوعی که
آقای طاهری فرمودند که این نسبت را نمی توانی نیست برای
دفع امراض مسریه البته کسی نکوت اگر چنانچه این
قانون گذشت تمام این امراض تمام میشود البته همانطور
که آقای طاهری گفتند دولت و مجریه بالسنی و مسائل دفع
امراض و قانونی و امراض مسریه از قبیل سل و اینها را
فرجه آورد ای باب این هم بندها ندارد و این يك قدمی است
برای جلوگیری از انتشار و اگر بگویم که مجریه آنگاه
توسعه ندارد و نمیتواند جلوگیری کند این هم
مربوط نیست باید به وسیله دیگر است فعلاً سعی میکنند
که کم کم کم شود و از این امراض که نسل ایرانی را
بکلی محو و نابود میکند جلوگیری کنند این هم يك قدم است

که آفتاب باید موافقت کنیم که این اقدام مختصر
بسیار است که پیشنهاد شده است بر دارم که به شرحی
دارد و در صورتی که بخواهد و نه بود چه بخواهد و نه
آن قسمتهای دیگر هم که دولت در صدد است اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای رحمتی موافقت!

رحمتی - بل موافقم کافی است.

رئیس - در پیشنهاد یکی از طرف آقای میرزایی و یکی
از طرف آقای هزار جریبی راجع به حذف این ماده رسیده
است آقای میرزایی توضیح میدهد.

میرزایی - بنده اساساً این ماده را زائد میدانم برای
اینکه بقی این همانند که تکلیف میکند که اگر توی کوچه
راه بروید و مواظب باشید که توی چاه نیفتد البته من
چشم دارم می بینم این مال يك رفتی است که مردم جاهل
بروند البته اینطور قوانین مقرر بود ولی اگر این قوانین
را برای جوانان می نویسد اگر تعریف داشته باشد روز سوم
جوت در چالابه و بیخرفک و مسارف را میدیدید دیگر
محتاج بود که ما اینطور چیزها را ذات کنیم اما کسی
که بپورد يك بپر بپرد دقت میکند و تشخیص میدهد
که این خراب است یا خراب نیست آنوقت چطور يك کسی
که میخواهد برود زن بگیرد دقت نمیکند کسی را که
يك عمر میخواهد با او زندگی کند درش دقت نمیکند
و بنده کلیه زائد میدانم این قسمت را يك قانونی بگذاریم
که تصدیق بیآورند البته يك جوانی که میخواهد زن
اختیار کند و يك دختری که میخواهد شوهر کند البته
تصدیق طبیب هم خواهند خواست و دقت هم خواهند
کرد و مناسی هم ندارد ولی اگر این جور باشد که بگویند
تصدیق باید ارائه دهد این از ازدواج جلوگیری میکند
و این هم که اینجا نوشته اند میتواند فایده ندارد بنابراین
پیشنهاد حذفی را میکنم

دکتر ادهم - اجازه بفرمایند!

رئیس - پیشنهاد آقای دیگر بجای ندارد چون پیشنهاد

باقی داشتن يك نفوس سالم و عاری از امراض است امروز
در بعضی از ممالک سعی میکنند که نژاد اینگونه اشخاص
که مبتلا باین قبیل امراض هستند از بین برود امروز در
بعضی از ممالک که خیلی متقدم هستند قوانینی وضع
کرده اند که اشخاصی که مبتلا بامراض مسریه بوده اند
از ازدواج آنها مانع میشود بجهت اینکه این قبیل اشخاص
میخواهند در جامعه معدوم کنند و بنده متأسفانه میدانم
که چرا احصائیه امراض مسریه را روزنامه ها متذکر
نمیشوند ما اگر احصائیه امراض مسریه را نگاه کنیم
می بینیم چقدر زیاد است و چه اندازه خطرناک است
و چقدر جای تأسف است که انسان هر روز به پند که
يك دختری را که هجده سال زحمت کشیده است و در
تصدیق او همه اسم مراعات شده است بواسطه عمل ازدواج
در روز بعد می آید نزد طبیب خردم دیدم دختری را که
میگفت دو روز بعد از ازدواج است که هم سوزاک داشت
و هم سفلیس و هم جرب این است که بنده هیچ مسامی
نمی بینم که باین ترتیبی که پیشنهاد کرده ام آقایان موافقت
بفرمایند راست است چون عموماً دختر ها مبتلا میشوند
و این امراض از طرف مردها و پسر ها است و متأسفانه
از اینها سرایت میکنند از آنطرف هم اگر احتیاطی بگذاریم
مثل این است که نگذارده ایم و اثری هم ندارد برای این
مقصود که ما داریم این است که بنده عقیده دارم که
آقایان موافقت بفرمایند این موضوع را اجباری کنیم
برای جوانها و برای مردها

ماده ۱۰۸۳ (مخبر کیسینون) - عرض می میکنم
پیشنهاد آقای دکتر از يك نقطه نظر که اختصاص بزواج
دارند موافقی دارد اما آن اشکال اول بسالی میماند برای
اینکه ما این قانون را برای کل مملکت می نویسیم ما که
در همه جا طبیب نداریم آنجا حالی را که طبیب نداریم
چه کنیم از این جهت غیر عملی است و وقتی که طبیب
باشد البته مانع ازدواج میشود.

دکتر ملک لاده - در پیشنهاد اضافه میکنم هر جا که
طبیب باشد.

پیشنهادی که در این مورد کرده ام یکی آقای انبار و یکی
آقای اردنیک که همانند من پیشنهاد میکنند با این تشریحی
که خبر میکنند این پیشنهاد را در این مورد
دکتر ملک لاده - بنده استدعا میکنم اضافه شود چه
استثنای جاهایی که طبیب نداریم
پیشنهاد آقای انبار -
ماده ۱۰۸۴ - را بفرار ذیل پیشنهاد میکنم در نقاطی
که تشکلات صحیه است مرد باید تصدیق صحیه معسرین
مبتلا بودن بامراض زهرریزه ارائه دهد
پیشنهاد آقای اردنیک -
پیشنهاد میکنم که در امکنه که مؤسسات صحیه موجود
است مرد بایستی تصدیق صحت مزاج را برای ازدواج
ارائه دهد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام لاده - بنده اول لازم میدانم در اساس مطلبی

چون آقای هزار جریبی و آقای طهرانی اظهار نظر
مخالفتی فرمودند عرض میکنم و بعد در قسمت احصاء
این ارائه تصدیق بشهر ها کدام میکنم آقایان نمایندگان
محترم تردد نداشته باشند که ما باید سعی کنیم
حق الدودور از امراض مسریه که برای جامعه مضرات
جلوگیری کنیم البته در دعوات این مسئله کتر و در شهر
بیشتر است و طوری امراض مسریه شایع شده است که
اگر انسان پیش خودش فکر کند و مطالعه کند
خیال میکند که یک نفر آدم سالم ممکن است پیدا شود
برای اینکه این مرض فوق العاده مسری است و بدبختانه
وضعیات معاشرتها يك طوری است که همه ممکن است
مبتلا شود و البته برای جلوگیری از سرایت مرض از
یکطرف و از طرف دیگر برای حفظ اصل آیه بطوریکه
آقای دکتر طاهری هم از نقطه نظر تخصص طبیب
فرمودند برای اینکه مخاطراتی را که در اثر این امراض
پیدا میشود و مسامی که تولید میشود بویچوچه قابل
زندگانی در يك جامعه متمم میباشند برای اینکه ممکن است

از احوال دماغی اولاد خود فایده نرود و بالاخره همچو کسی
برای مملکت خطر ناک است تا باید سعی کنیم در آیه
یک نسلهای توانائی برای مملکت پیدا شود و تهیه شود
و با مقدماتی که در تعالی و ترقی مملکت تهیه شده است
اندا الله در آیه مملکت ما خیلی بیشتر از این ترقی خواهد
کرد البته این قسمت ما هم اصلاحاتی است که بهرورد باید
بشود بنا بر این برای زنها مراجعه بطیب و گرفتن صدیق
شاید مشکل باشد و بر خلاف عرف و عادت باشد چون
اشخاصی که بگر هستند موضوع ندارد بر فرض هم اگر
خدای نخواست چیزی باشد طبیعه های زن هستند که بانها
مراجعه میکنند اما در قسمت مردها این اشکالی ندارد زیرا یک
کار خوبی است حالا میفرمایند در مملکت ما معمول بوده
است بل خیل از کارهای خوب و نافع بوده است که در
مملکت معمول نبوده است و معمول شده است این هم
یکی از همان کارهای خوب است حالا بنده در قسمت زن ها
که کمتر مبتلا هستند و از طرفی هم نایستی رعایت کرد
که در همه جا طیب سعی نیست و از طرف هم مناسب
نیست که من مراجعه بکنند بطیب از این قسمت صرف نظر
میکم ولی در قسمت مردها بنده ماضی امر بینم که اجباری
باشد آهم در همه جای مملکت آقای خبر فرمودند که اگر
بخواهیم این صدیق را تعمیم بدهیم که در دهات هم باشد
مشکل است برای اینکه طیب نداریم بنده تردید ندارم
صکک در تمام دهات طیب نیست ولی در یک دوره عمر
ممکن است و اشکالی ندارد که بکنند دهائی برود در
حلی که طیب هست و مراجعه کند به یک نفر طیب و
یک صدیق سعی بگردد و بنده هیچ فلسفه نمی بینم که
دهائی اگر مبتلا باشد برود وصلت کند در صورتیکه برای
آن دهائی هم هیچ اشکالی ندارد که برود و یک صدیق
سعی بگردد از طیب مجازم بگیرد گرفته است چه اهمیتی
برای او دارد ایست که بنده عقیده ام این است که ارائه
صدیقی سعی در تمام نقاط ایران برای مردها اجباری باشد
و زنی را در موضوع این ماده چنانچه خیلی

مذاکره شد و انتظار مختلفی بر آن طاری شد لازم میدانم
یک توضیحی عرض کنم سه قسم ایراد و نظر بر این
ماده وارد شده است چنانچه در کسیرون هم که یک مبحث
کوچکتری بود این صحبتها بود و بالاخره با ملاحظه تمام
اطراف و جوانب مطلب بانطور اصلاح شد این جا سه قسم
نظری که هست یکی از نقطه نظر مراعات عفت مردم که
تقریباً نظر آقای هزار چریبی بود و بعضی آقایان دیگر که
حذفتی را پیشنهاد کردند بیشتر از این نقطه نظر است
و الا مانع نیستند از اینکه ملاحظه حفظ الصبحه از برای
مرد وزن بشود یک نظر دیگر این است که این کافی نیست
و باید الزامی باشد عکس آن نظر اول که برای مراعات
و حفظ مصالح نسل آیه الزامی باشد و یک نظر دیگر
این است که چه فایده دارد در صورتیکه در ماده مینویسد
میتواند همچو تصدیقی بیارود خوب البته هر کس میتواند
همچو اظهار و همچو خواهشی را از طرف بکند ذکر این
برای چیست ؟ این سه قسمت است بنظر بنده اما قسمت
اول که مسئله مراعات عفت باشد به اینطور است البته
باید عفت عمومی و عفت اشخاص محفوظ باشد و سرودن خیز
که جوان هستند کمتر تنگ سر و سرشارت بشود البته
تصدیق میفرمایند که بعضی قضایای مهم که پیش میآید و در
بادی نظر ممنوع و با محدود بنظر می آید یک مصالح
اورا تجویز میکند بلکه گاهی واجب میکند مثلاً نگاه
مرد یا زن بصورت حرام و قبیح است عقلاً و شرعاً همه
ممل هم قبیح میدانند ولی معتدل در مورد و مقامه مانجه
و تشریح دیگر آنجا این قیاحت از بین می رود برای اینکه
مصالح مهمتری در پیش است خصوصاً با اینکه امراض
زیاد شده است و ممکن نیست با معاینه ظاهری بشود فهمید
و تشخیص داد و ممکن نیست صرف معاینه ظاهری صکک
آقای هزار چریبی فرمودند کسی بفهمد البته در یک
جاهای کوچک مثل دهات و شهر های کوچک که مردم
همدیگر را می شناسند کمتر این اشکالات ترویج میشود
و مزد اطلاعات بهتر و بیشتری از خانواده طرفین دارند

ولی در جاهای نزدیک و دوری این اشکالات ظهور
کند بنده هم نمی توانم این اشکالات را بگویم و این اشکالات
برسد این شناسائی همراهم میگوید آنوقت احتیاج اینها
میشود بیک تصدیقاتی که موجب اطمینان طرفین باشد
و اما در این قسمت که نظر بعضی آقایان است که الزامی
قرار داده شود برای طرفین با اینکه برای یکطرف (در
طرف مردها) الزامی باشد بنده اینجا عرض میکنم
با اینکه مخالف اصل این ماده هم زائد است الزامی بکسایب
دیگری دارد و آن این است که هیچ فرقی نمیکند در شهر
یا در ده چه با اشخاص هستند که معتقد عفت خودشان
و جوانی خودشان هستند (میرزائی - صحیح است)
و نمی کنند وقتیکه بگردند این خود بکسانی
میشود برای ازدواج بی جهت این بود که اینجا این
ملاحظه شد که یک حقی قرار دهند از برای طرفین البته
آن کسیکه تصدیقی را میخواهد از طرف مقابل در موقعی
است که اطمینان ندارد وقتی که اطمینان دارد که تصدیق
در مورد مشکوک مطالبه میکند و در مورد مشکوک هم ضرورت ندارد
این را خواست کند طرف ملزم باشد بیارود ولی یک همچو
ماده که عبارتست میتواند هست و اگر هم اینجا در قانون
نیود باز میتوانستند این کار را بکنند عملاً همانطور که
آقای دکتر ملک زاده هم فرمودند که بین طبقه متنازه
تقریباً معمول است میخواهم عرض کنم که بعضی امور
هست که قدم بقدم باید پیش برود و مردم را باید یوانی
یوان آگاه کرد مثلاً یکی از شروط ازدواج بود
و شرعاً هم جایز بود ولی مردم مدتها متذکر بوده و آن
این بود که زن میتواند شرط کند که اگر شوهرش بعد از
این زن دیگری گرفت میتواند طلاق بگیرد و حق داشته
باشد خودش را طلاق بدهد این بود در شرع و هر شرط
جائزی را میشود کرد ولی متذکر باین شرط بودند
اما کم کم حالا آشنا شده اند و میتوانند که این شرط را
هم بکنند حالا این قدم را ما در اول امر میدانیم اگر
مخدائی نکرده مسئله شروع امر این موضوع را بنده زیاد

پیشنهادها اینقدر دامنه وسیع نمیکرد اگر ما در کفایت مذاکرات متغی نمیکنیم این پیشنهادها نمیشد بنده یکی از همین افراد بودم که وقتی در ماده صحبت بود اجازه خواستم نوبت به بنده برسد و آنوقت دعاگو پیشنهاد کردم اجباراً برخلاف عقیده ام بناباید این پیشنهاد برخلاف عقیده ام است (خنده نمایندگان) آخر بگذارید در موضوع بگذردی بیشتر صحبت بشود آقایان و حلاجی بشود این بسیار ماده خوبی است و خوبیش را میتوانم بگویم ممکن است آقای هزار جریبی وقتی بیانات بنده را شنیدند متقاعد بشوند یا حضرت آقای طهرانی وقتیکه شنیدند قانع بشوند ممکن است دیگر آقایان همه یک مقصد دارند منتهی این است که مسئله را ایشان اینطور خیال میکنند بنده تصور دیگر حال عرض میکنم پنج دقیقه تنفس بدهیم (همه نمایندگان - لازم نیست) تا مطالب را روشن کنیم میدانم برای چه میفرمائید نه؟ برای اینکه پنج دقیقه اضافه میشود بر مدت و پنج دقیقه دیرتر میرویم و ولی مانعی ندارد...

عده از نمایندگان - باصل ماده رأی گرفته شود
 دهتی - بیانات آقای وزیر عدلیه تقریباً مسئله را واضح کرد همه موافقم با آن نظر
 رئیس - اجازه میفرمائید یکبارہ بسراغ پیشنهاد وزیر عدلیه نمیشود رفت.
 دهتی - رأی بگیریید بساير پیشنهادات.
 رئیس - چون آن ماده است و باید پیشنهاداتی که طاری بر ماده است یکی بعد از دیگری تکلیفی معلوم شود.
 روحی - پیشنهاد بنده را هم بخوانید آقا.
 رئیس - اجازه بدهید میان صحبت که نمیشود.
 و بنابراین موافق تشخیص بنده هم صحبتهایی که در این موضوع بخصوص میشود گاهی برخلاف مصلحت است حالا نمیخواهم عرض کنم که چرا برخلاف مصلحت است برای اینکه در ضمن خود عبارات متذکر میشود

بنده از نقطه نظر اداره طرفدار پیشنهاد آقای اورنگ مرحوم و با آن موافقم که این قنیه در یک دائره تک نری تمام بشود (صحیح است) والا باید تمام پیشنهادات آقایان مطرح شود و هر کدام هم يك توضیحی بدهند یکی هم باید دفاع کند و ممکن است از این عباراتی هم که تا بحال گفته شده است چندین برابر نظائری گفته شود پس بهتر است که بیرون بکشیم و در آنجا صحبت شود (صحیح است) آقای روحی فرمائید.

روحی - اگر کار در مجلس باشد ما تا چهار بعد از ظهر هم حاضریم بنشینیم و صحبت میکنیم و حرف هم بطور کافی در اطراف این قضیه آقایان زده اند و بنده در نظر داشتم برای تعیین تکلیف این ماده همان پیشنهاد آقای ادم باشد که کمیسیون اصلاح کرده است چون نباید به قند رفت نه کند زمان هم بآن چیز خودی دخیل است که هر اصلاحی بموقع خودش بیاید. خوبست موافقت فرمائید و همین پیشنهاد اصلاحی کمیسیون را رأی بدهند پیشنهاد بنده دائر ب همین منظور است و رفع اختلافات میشود.

هزار جریبی - بنده يك توضیحی دارم.
 رئیس - اجازه میفرمائید؟ پیشنهاد آقای روحی این است که ابتدا بماده الحاقیه پیشنهاد آقای دکتر ادم رأی گرفته شود این همیشه چون این خود ماده است باید اول به چیزهایی که بر آن وارد است رأی گرفته شود. (صحیح است) آقایانیکه یا تنفس پنج دقیقه موافقت قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد (در این موقع (مقارن ظهر) مجلس برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)
 رئیس - آقای مخبر
 مخبر کمیسیون قوانین عدلیه (آقای مؤید احمدی) - در تنفسی که داده شد کمیسیون عدلیه تشکیل شد با حضور آقای وزیر عدلیه و آقایانی که پیشنهادات مختلفی داده بودند در کمیسیون تشریف آوردند بعد از مذاکرات

توانی شد که پیشنهاداتشان را پس بگیرد و فقط همان ماده که پیشنهاد شده بود و در کمیسیون عدلیه اصلاح شده و در لایحه گذاشته شده است بمثلت رای بگیرد (صحیح است) از اینجهت لازم بود که خبرش را به عرض مجلس برسانم.

رئیس - آقایان پیشنهادشان را دیگر تعقیب نمی فرمائید؟

عده از پیشنهاد دهندگان - خیر
 رئیس - تنها بانی می مانند آقای هزار جریبی که از پیشنهاد حذف خودشان حمایت میکنند و فقی که رای میگیریم بماده اگر ماده تصویب شد که پیشنهاد ایشان رد شده است و اگر نشد که منظور ایشان بعمل میآید (صحیح است). آقایانیکه بماده هزار و چهل موافقت دارند برخیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد.

اورنگ - ختم جلسه را پیشنهاد میکنم
 رئیس - یعنی ختم توجه جلسه را برای اینکه آقای

طباطبائی دیبا به بنده یاد داشتی داده اند که در ماده بعد ما نظریاتی داریم که متصل است بنا بر این بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه بعد (صحیح است) آقای وزیر عدلیه فرمائید داشتید؟

۴ - تقدیم پیشتره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه وزیر عدلیه - لایحه است راجع بقسمت دیگر از قانون مدنی، جلد دوم قانون مدنی که باز مربوط است بشکاح و طلاق تقدیم میکنم.

۴ - اعلام وصول لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی - ختم جلسه |

رئیس - از طرف اداره مباشرت لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۲ رسیده است که بکمیسیون محاسبات ارجاع میشود. (صحیح است)

جلسه آینده روز سه شنبه چهاردهم اسفندماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوايح وزارت عدلیه (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر